

سفر نامه-۳

مهر جان جاده ابریشم

بازدید کهن‌ترین تمدن‌ها

منصور بطرف

مرحله بعدی سفر بازدید از قلعه سمعان بود. سمعان یا سنت‌سیمون (سیمون مقدس) کشیشی بود که در دوره بیزانتین زندگی می‌کرد که به مدت ۴۲ سال زیر گرمای سوزان و سرمای شدید روی تخته سنگی که هنوز در این قلعه باقی است به عبادت مشغول بود.
دقیقی‌شیرازی که عربی را فصیح سخن می‌گفت در ایسن قلعه با یکی از راهنمایان سوری یحث می‌کرد که از لحاظ عقلی این نوع زندگی امکان‌پذیر نیست و این خانم راهنما هم اصرار عجیب می‌کرد که سمعان این‌گونه زندگی می‌کرد.
اینکه کدام یک قانع شدند، معلوم نیست.
ساعت دو بعدازظهر آخرین نفرات گروه بودیم که از قلعه بیرون آمدیم. از مستوحی – راهنمای سوری مان – پرسیدیم که کجا می‌رویم؟ به عربی گفت می‌رویم به سمت «جبل‌الاحلام» – یعنی کوه آرزوها – و در آنجا آرزو می‌کنیم ناهار بخوریم. اگر آرزویمان برآورده شود. ساعت سه به جبل‌الاحلام رسیدیم که رستورانی هم به همین نام در آنجا بود و وارد آن شدیم. صاحب رستوران که یک کرد سوری بود و با جمعیت ۱۰۰ نفره خبرنگاران و مشتریان خارجی دیگر مواجه شده بود دست و پای خود را گم کرده بود و نمی‌توانست سرویس مناسب بدهد. ساعت پنج بود که هنوز ناهار نخورده بودیم. ناگهان میز جلوی ما که خبرنگاران عرب بودند، صدای یکی‌شان به اعتراض بلند شد. از کردمیر پرسیدیم چه گفت. گفت، می‌گوید ما همه خبرنگار هستیم و آمده‌ایم از سوریه تعریف کنیم. این وضعیت را که می‌بینیم برویم چه بگوییم. این اعتراض سبب شد میزبان بیشتر دستپاچه شود و سریعاً برای میز معترض سرویش را چید و یک نفر هم بالا سر آنها گذاشت تا نیازهایشان را تأمین کند. کردمیر گفت: اینجاست که می‌گویند «عرب را باید سیر نگه داشت». ساعت شش بعدازظهر بود که از آنجا بیرون آمدیم. صاحب رستوران با زبان انگلیسی دست و پا شکستای به ما گفت من به آنها گفته بودم کم‌کم ببایید نه یک‌دفعه، اما یک‌دفعه آمدند و نتوانستیم خوب سرویس دهیم، ببخشید. برگشت ما دوباره به سمت حلب بود و هتل ددمان؛ هتلی که قبل از ظهر تخلیه کرده بودیم. اما این بار برای آن می‌رفتم که در آن مراسم موسیقی‌ای که نوازندگان و خوانندگان آن از کشورهای جاده ابریشم بودند، برپا بود. از ایران «کیوان سلاکت» شرکت داشت. این هم مراسم پرشور بود هر چند که همراهان ایرانی تیم ترجیح دادند به جای دیدن این مراسم به دیدن قلعه حلب بروند؛ قلعه‌ای که وصف آن در دو شماره قبل رفت. ساعت ۱۰:۳۰ شب از قلعه حلب به سمت لاذقیه، شهر ساحلی سوریه واقع در کنار دریای مدیترانه راه افتادیم. شهری که تقریباً ۱۵۰ کیلومتر با حلب فاصله داشت و سفری که تقریباً ۲/۵ ساعت طول کشید. ساعت دو بامداد وارد هتل مریدیان شدیم. وارد که شدیم و کلید اتاق‌ها را که گرفتیم، پذیرش هتل گفت: شام‌تان در رستوران آماده است؛ ما من خواب را بر خوراک ترجیح دادم و وارد اتاق خودم شدم که این بار در یخچال آب و قهقه آب گذاشته بودند. مثل اینکه اعتراض‌ها در این حد موثر بود. اما لاذقیه که زادگاه حافظ اسد است در غرب سوریه و در کنار دریای مدیترانه واقع شده است. شهر ساحلی‌ای که در زمان ورود که تقریباً دو بامداد بود هنوز رفت و آمد در آن در جریان بود و رستوران‌های آن تقریباً باز بودند. این شهر هم توریستی است و هم به خاطر تمدن کهن اوگاریت، باستانی.

اوگاریت

منابع تاریخی نشان می‌دهند اوگاریت تمدنی کهن است که تپه‌های بازمانده از آن، در منطقه راس شمرا ۱۲ کیلومتری شمال شهر لاذقیه واقع شده‌است. در این تپه‌ها آثار کهن‌ترین الفبای تاریخ به دست آمده. حفاری‌ها باستان‌شناسی در منطقه راس شمرا که تمدن اوگاریت در آن کشف شده نشان می‌دهد بقایای بیش از ۲۰ دوره تمدنی دیگر در آن منطقه قابل ردگیری است. قدمت منطقه راس شمرا به بیش از ۷۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد که در هزاره دوم قبل از میلاد با گسترش شهرنشینی، تمدن اوگاریت در آن منطقه به وجود آمد. تابلویی که در کنار تل اوگاریت واقع شده بود نشان می‌داد مساحت این شهر ۲۷ هکتار است. جالب آنکه در این شهر چهار سیستم فاضلاب وجود داشت که در شمال، جنوب، مشرق و مغرب واقع شده بودند. به گفته یکی از کارشناسان که در آنجا حضور داشت، الفبای اوگاریت، جزء کهن‌ترین الفبای جهان است. این تمدن به طور اتفاقی در سال ۱۹۲۸ کشف شد؛ تقریباً همزمان با کشف تخت‌جمشید.

خبر

پارانه نقدی وضع مردم را عالی نمی‌کند

سختگوی کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی مجلس خواستار اطلاع‌رسانی دستگاه‌های زیرمجموعه دولت درباره طرح هدفمند کردن پارانه‌ها شد و تأکید کرد هدف اجرای قانون هدفمندنی ارتقای وضع مالی مردم نیست بلکه برای تنظیم مصرف خانوارهاست. سیدکاظم دلخوش در گفت‌وگو با مهر در خصوص روند اجرای قانون هدفمند کردن پارانه‌ها گفت: وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، وزارت اقتصاد و بازرگانی از جمله وزارتخانه‌هایی هستند که باید جایگاه و وظیفه خود را در روند اجرای این قانون ببانند. سختگوی کمیسیون ویژه مجلس یادآور شد: در تحولانی که قرار است صورت بگیرد از مردم نظرسنجی داشته باشند. دلخوش گفت: آگاهی‌رسانی به مردم مهم‌ترین بعد اجرای این قانون است. اگر هم قرار است قانون به نحو احسن اجرا شود، نمی‌توان اطلاع‌رسانی به مردم را نادیده گرفت. وی افزود: مردم هم باید بدانند پرداخت یارانه به آنها به منزله کمک مضاعف نیست. گمان نکنند از این پس در دریافت یارانه وضع مالی‌شان عالی می‌شود بلکه این قانون برای تنظیم مصرف خانوارهاست. با این‌شود که از اسراف جلوگیری می‌شود و مصرف بهینه خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

در واقع در ایران در این سال‌ها شاهد نوعی تغییر بافت طبقاتی از کارگر مولد به مشاغل خدماتی هستیم. گرچه آنها از نظر درآمدی وضع بهتری نسبت به کارگران ندارند، اما از نظر فشار کاری و رویکرد جامعه به شغل آنها، در وضع به مراتب بهتری قرار دارند. پس به نظر من طبقه‌بندی اقتصادی در ایران بسیار کاراتر از طبقه‌بندی اجتماعی است اما این طبقه‌بندی ارتباط همگنی با نوع شغل افراد ندارد. مثلاً ممکن است یک فرد، دلال سکه و دلار باشد و وضع اقتصادی او در مرتبه بسیار مناسبی باشد، اما از نظر طبقه اجتماعی پایین‌تر از یک استاد دانشگاه است که درآمدش از او پایین‌تر است.

البته دقت کنید که در ایران نوعی سردرگمی هم برای مجزا کردن طبقات اجتماعی از هم وجود دارد. چه به لحاظ اقتصادی، چه از منظر اجتماعی چراکه اکنون تعداد گسترده‌ای از خانوارها، خود را در طبقه متوسط توصیف می‌کنند در حالی که میزان درآمد بسیاری از این خانوارها از زمین تا آسمان با یکدیگر متفاوت است.

– اکنون اگر طبقات اقتصادی را در ایران به سه بخش فقیر، متوسط و غنی تقسیم کنیم، سوال این است که به نظر شما کدام طبقه شلوغ‌تر و پرجمعیت‌تر است و چه بر هر دسته می‌گذرد؟
اگر بر اساس میزان توزیع درآمد به این طبقات نگاه شود، دیده می‌شود که جمعیت بسیار زیادی از جامعه در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند یعنی دهک‌های درآمدی با دهک‌های جمعیتی انطباق ندارند. به تعبیر دیگر اگر طبقه درآمد به ۱۰ دسته تقسیم شوند، می‌شود دهک‌های درآمدی. اما اگر جمعیت به ۱۰ گروه تقسیم شود، این می‌شود دهک‌های جمعیتی. اما اگر به میزان توزیع درآمد در بین این دسته‌ها دقت کنیم، مشخص می‌شود که میزان جمعیتی که در دو یا سه بخش ابتدایی درآمدی جای گرفته‌اند، حدود ۵۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. یعنی جمعیتی که در درون سه دهک ابتدایی درآمدی قرار دارند، بسیار بیشتر از هفت دهک با درآمد بالاتر است. البته بیان این نکته ضروری است که بیان آمار در ایران امروز به راحتی قابل بیان نیست چراکه تقریباً تمام ابزارهای آمارگیری و آماری به از اختیار دولت است و اکنون مدت‌هاست که بسیاری از این آمارها از مراکز دولتی خارج نشده است. پس عدد ۵۰ درصد یک عدد کاملاً تخمینی و غیرمستند است.

– پس آن گونه که شما می‌گویید اکنون طبقه فرودست جامعه ایران، چاق‌تر از طبقه متوسط و البته غنی است.

بله، توزیع درآمدی این را نشان می‌دهد. یعنی بخش عظیمی از جامعه در دسته‌های پایینی به لحاظ درآمدی قرار می‌گیرند. تصور من بر اساس محاسبه خط فقر در سال ۱۳۸۷ آن است که جمعیت بسیار بزرگی از مردم، فقر شدیدی را تجربه می‌کنند. برای مثال در استان تهران بر اساس خط فقر مطلق، حدود ۴۲ درصد از مردم فقیر هستند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که تعداد فقرای کشور ایران به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده است. **– طبقه متوسط در ایران چه ویژگی‌هایی به لحاظ اثرگذاری بر اجتماع دارد؟**
البته در ایران، طبقه متوسط نوعاً به طبقه‌ای گفته می‌شود که از نظر اقتصادی، امکان دسترسی به آموزش عالی دارند و به همین جهت می‌توانند از نظر فکری جامعه را هدایت کنند. البته در همه نقاط دنیا نقش طبقه متوسط به عنوان تولید روشنفکران کاربرد دارد. ظاهراً از تحصیلات و درک عمومی بالاتری نسبت به طبقات پایینی و در ایران حتی بالاتر برخوردارند. در تمام دنیا، طبقات بالایی به لحاظ وابستگی به ساخت قدرت و منتفع شدن از وضع جاری، همواره خواهان حفظ شرایط موجودند. طبقات پایین هم به جهت

مدیر ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت توصیه کرد مردم دنبال CNG نروند چون گران می‌شود

کرد: اکیداً توصیه می‌کنیم مردم از این روش‌ها استفاده نکنند و اگر کسی واقعاً به خودرو گازسوز نیاز داشت به خودروسازها مراجعه کند و برای دریافت خودرو گازسوز در نظر قرار بگیرد.

وی اضافه کرد: سیاست ما این است که خودرو گازسوز از کارخانه تحویل مردم شود و در عین حال موتور چنین خودروهایی پایه گازسوز باشد البته در حال حاضر در خودروهای گازسوز به سقف سهم این خودروها از سبد سوخت رسیده‌ایم چنان‌که قرار بوده ۲۰ درصد خودروها CNGسوز و پنج درصد LPGسوز باشند که در درصد خودروهای CNG به رقم مورد نظر رسیده و هدف محقق شده است. مدیر صنایع خودرویی ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت با تأکید بر اینکه قیمت CNG بر اساس قانون ۶۰ درصد قیمت معادل بنزین خواهد بود و تا پایان برنامه پنجم نیز باید به ۷۰ درصد قیمت صادراتی CNGسوز و پنج درصد LPGسوز باشد که در مشکل داشته باشند مردود می‌شوند و سوخت هم به آنها تحویل نخواهد شد و به همین دلیل مردم بهتر است هزینه‌های اضافه برای خود ایجاد نکنند چرا که سیاست دولت افزایش همزمان قیمت همه حامل‌های انرژی است. وی افزود: اگر متوسط قیمت فعلی صادرات CNG را ۱۰ تومان برای هر مترمکعب در نظر بگیریم، به احتمال زیاد در پایان برنامه بیش از این میزان خواهد بود، قیمت CNG مصرفی خودروها نیز باید در حدود ۷۰ درصد آن رقم برسد. هاشمی تصریح کرد: برهه خاصی تأکید روی CNG اهمیت زیادی داشت چرا که بحث صرفه‌جویی در مصرف بنزین به خصوص در اوایل سه‌میةبندی بنزین شدیداً مطرح بود و ما به ایجاد تنوع سوختی در بخش حمل و نقل نیاز شدیدی داشتیم اما در حال حاضر این تنوع ایجاد شده است و ما به سقف آن رسیده‌ایم و به همین دلیل دولت CNG را نیز مانند بنزین مدیریت خواهد کرد. وی در پاسخ به پرسشی در زمینه استهلاک خودروهایی که پیش از این گازسوز شده‌اند، گفت: این خودروها در مقابل از قیمت ارزان سوخت بهره بردمانند و در حال حاضر نیز قانون هدفمند کردن پارانه‌هاست که در این باره حکم می‌کند.

فولادگر مطرح کرد

وجود رانت در قراردادهای تأمین قطعات یکی از خودروسازان

غضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفت: برخی از قطعه‌سازان، قرارداد تأمین قطعات را با شرکت ایران‌خودرو امضا و پس از آن، قطعات مورد نظر را از چین وارد کرده و در ایران پس از نصب برچسب داخلی، تحویل شرکت تأمین قطعات می‌دهند. حمیدرضا فولادگر در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: در جلسه آینده کمیسیون صنایع و معادن مجلس، برخی رانت‌های موجود در قراردادهای تأمین قطعات خودروسازان و ورود قطعات بی‌کیفیت به خطوط تولید بررسی خواهد شد. وی با بیان اینکه در راستای اجرای قانون ارتقای کیفی خودروها و حمایت از حقوق مصرف‌کننده، کمیسیون صنایع و معادن پیگیر این موضوع است، خاطرنشان کرد: با توجه به حساسیت موضوع، این مساله در جلسه آینده این کمیسیون مطرح خواهد شد و از وزارت صنایع و معادن خواسته خواهد شد مساله را بررسی کند و گزارش دهد.

اقتصاد



هدفمند کردن یارانه‌ها در گفت‌وگو با حسین راغفر

طبقه متوسط لاغر تر می‌شود

وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی، آگاهی‌های عمومی نسبت به وضع موجود را ندارند و قربانی آن هستند. علت هم آن است که طبقات پایین به آموزش مناسب دسترسی ندارند و عدم دسترسی به آموزش جهل را پدید می‌آورد. این فقر، بی‌سوادی و جهل، آنها را دچار نوعی محافظه‌کاری می‌کند تا شرایط‌شان از آنچه هست، بدتر نشود. در کشورهایی که سیستم‌های تأمین اجتماعی، استقلال فردی و شخصیتی برای افراد قائل نیست و افراد اگر دچار بحران‌های اجتماعی و کاری و اقتصادی شوند، برای مثال اگر شغل خود را از دست بدهند، در کشورهایی که سیستم تأمین اجتماعی وجود ندارد؛ برای آنکه مانع از آن شود که آنها به هر شرایطی تن دهند. عدم وجود چنین ساختار تأمین اجتماعی برای افراد موجب آن می‌شود که این طبقات علامت‌های طبقات بالاتر را دریافت و سپس آن را درونی کنند. آنها خودشان را با طبقات بالاتر تطبیق می‌دهند؛ یعنی شروع به توجیه کردن نابرابری‌های موجود، و آنچه را که با آن دست به گریبان هستند، می‌کنند. بنابراین خودشان را با وضع موجود تطبیق می‌دهند. این موضوع موجب می‌شود طبقات پایین، بسیار محافظه‌کار شوند، گرچه بسیار ناراضی باشند. در کشور ما، طبقه متوسطی که تحصیلات بالا دارند، افرادی هستند که سعی می‌کنند

با طبقات بالا سازش کنند تا وضع خودشان حفظ شود. علائمی که اکنون قشر فقیر از طبقه متوسط در ایران دریافت می‌کنند، آن است که اگر می‌خواهید وضع شما مناسب باشد، باید با طبقات بالاتر سازش کنید. تمام درآمد طبقه متوسط ایران، به علت فقدان بخش خصوصی مستقل، مستقیم و غیرمستقیم به بخش دولتی وصل است و منتفع از درآمدهای نفتی است.

– شما اشاره کردید که تعداد فقرا در ایران امروز به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده و طبقات پایینی اجتماع چاق‌تر است. سوالی که مطرح می‌شود این است که این پراکندگی جمعیتی در ابتدای دهه ۱۳۸۰ به چه شکلی بود و آیا در آن زمان طبقه متوسط چاق‌تر از امروز نبود؟

بله، به همین شکل است. اگر بر مبنای درآمد به طبقات ایران نگاه شود، در سال‌های ۸۰، ۸۱ و ۸۲ جمعیت بیشتری در میان فقرا و توانمندان قرار می‌گرفت. اما از میانه دهه ۱۳۸۰ به این سو، سیل جمعیت به سمت دهک‌های پایینی سرازیر شده است. بخشی از طبقه متوسط در این سال‌ها مهاجرت کرده‌اند و بخشی هم بیکار شده‌اند. بخش اعظمی در دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و بیکار مانده‌اند، فرصت‌های ایجاد اشتغال برای طبقه متوسط حذف شده است. این طبقه، به شکل سنتی یا کارمند دولتی بوده یا بخش خصوصی خرده‌پروژوا. اینها به علت رکود و فرصت‌های کم تولید و همچنین عدم نیروگیری در بخش‌های استخدای دولتی بسیار محدود توانسته‌اند موقعیت اقتصادی خود را حفظ کنند. پس عملاً در ایران شاهد نوعی تغییر طبقاتی بوده‌ایم؛ نوعی تغییر که گریبان طبقه متوسط را گرفته، آن را لاغر و طبقه فقیر را چاق کرده است.

– اگر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اجرایی شود، چه رخدادی انتظار طبقه متوسط ایران را می‌کشد؟
به نظر من بافت طبقاتی را در کشور تغییر می‌دهد. بخشی از طبقه متوسط به سمت طبقه فقیر نزول می‌کنند و عده‌ای به طبقات بالایی می‌پیوندند. یکی از ویژگی‌های طبقه متوسط، اقتصاد بخش خصوصی متوسط است که با وجود آزادسازی قیمت‌ها به نظر می‌رسد دگرگون شود. هرچند اکنون کم این بخش خصوصی بسیار کم‌رنگ و ناچیز است. به کارگیری سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها باعث افزایش هزینه‌های بنگاه‌های تولیدی و به ویژه بنگاه‌های مستقل می‌شود.

مدیر کل دفتر امور مجامع و بنگاه‌های معاونت برنامه‌ریزی: میزان ائتلاف در شبکه برق کشور ۱۹/۵ درصد است

مدیر کل دفتر امور مجامع و بنگاه‌های معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست‌جمهوری گفت: مطابق آخرین آمار، میزان ائتلاف در شبکه برق کشور ۱۹/۵ درصد است و این در حالی است که میزان تلفات در شبکه برق کشورهای ژاپن و کره جنوبی به ترتیب ۴/۶ و ۳/۵ درصد است.به گزارش ایرنا «محمد داودی» روز یکشنبه در همایش نقش هدفمند کردن یارانه‌ها در مدیریت انرژی در محل سازمان بهره‌وری انرژی ایران افزود: میزان تلفات تبدیل و مصرف سوخت و انرژی در فرآیند تولید، انتقال و توزیع حامل‌های انرژی در کشور در سال ۱۳۸۷ افزون بر ۲۵/۳ درصد بوده و حال کشور در سال ۱۳۵۳ این میزان ۲۰/۸ درصد بوده و این امر نشان‌دهنده روند نامناسب این روند در کشور است، وی با بیان اینکه ضرورت دارد ۵۰ درصد از میزان کل مصرف انرژی در کشور بدون کاهش سطح تولید ناخالص داخلی صرفه‌جویی شود، اظهار داشت: در سند فرابخشی مدیریت انرژی برنامه چهارم توسعه، طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی، اهداف کمی معین و وظایف مشخصی برای کلیه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی پیش‌بینی شده بود که متأسفانه در سال‌های پایانی برنامه توجه چندانی به آنها نشده است. وی افزود: لازم است بازدهی نیروگاه‌ها بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته و تلفات شبکه برق ۵۵ درصد و مصرف و هدروری انرژی در پالایشگاه‌ها ۳۳ درصد کاهش یابد. داودی ادامه داد: ارزش مصرف، تبدیل و انتقال انرژی در کشور سالانه حدود ۳۰ میلیارد دلار است که با ۴۵ درصد کاهش

سهم ۷۰ درصدی لوازم خانگی فرسوده در برق مصرفی خانوار

مدیر کل صنایع برق، فناوری اطلاعات و فلزی وزارت صنایع و معادن گفت: بررسی‌های صورت‌گرفته توسط وزارت صنایع و معادن نشان می‌دهد ۷۰ درصد مصرف انرژی هر خانوار ایرانی متعلق به پنج قلم محصول پرمصرف شامل یخچال فریزر، تلویزیون، وسایل سرمایشی و گرمایشی، ماشین لباسشویی و جاروبرقی است.

حمود لایبی در گفت‌وگو با فارس افزود: بر اساس این آمار حدود ۱۸/۵ میلیون خانوار در کشور وجود دارد که اکثر آنها از وسایل خانگی فرسوده و پرمصرف با درجه انرژی پایین‌تر از رتبه‌های A و B استفاده می‌کنند. وی گفت: مشکلاتی برای جایگزینی لوازم پرمصرف وجود دارد که مهم‌ترین آنها بالا بودن قیمت تمام‌شده تولید محصولات کم‌مصرف است. زمانی که مصرف‌کننده کالای کم‌مصرف را با یک محصول پرمصرف مقایسه می‌کند به راحتی حاضر به پرداخت پول بیشتر نخواهد بود به همین دلیل باید فرهنگ‌سازی لازم برای استفاده از لوازم برقی کم‌مصرف در کشور صورت گیرد. در عین حال اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و واقعی شدن

حاشیه اقتصاد

ماجرای ساختمان بانک ملی شعبه لندن

مدیرعامل بانک ملی در مورد ماجرای ساختمان بانک ملی شعبه لندن گفت: محل ساختمان شعبه لندن بانک ملی در خیابان «کنسینگتون» واقع شده و تا سال ۱۳۷۱ شعبه بانک ملی لندن در این محل فعال بوده است. خاوری گفت: بعد از سال ۷۱ که شعبه بانک ملی به یک بانک مستقل و قوی در بازار پولی و بانکی لندن تبدیل شد، محل مذکور دیگر تکافی نیازها نبود و کوچک بود، بنابراین محل جدیدی را اجاره کردیم که در حال حاضر اجاره سنگینی را نیز بابت آن می‌پردازیم. خاوری مطرح کرد: بنابراین به توجّه به اینکه بعد از تحریم، فعالیت بانک ملی در لندن محدود شد، بانک ملی قصد نقل و انتقال به این ساختمان را دارد. وی در مورد عدم واگذاری این ساختمان به سایر واحدها و دستگاه‌های اجرایی اظهار داشت: چندین سال است که بین بانک ملی و دستگاه‌های اجرایی مکاتباتی صورت می‌گیرد، منتها بعد از تحریم‌ها حق نقل و انتقال نداریم و با اجازه خزانه‌داری انگلستان باید این ملک واگذار شود که مقدمات واگذاری فراهم شده و در حال کسب اجازه از خزانه‌داری هستیم. مدیرعامل بانک ملی عنوان کرد: در حال حاضر که بانک ملی لندن برای جلوگیری از هزینه‌های اضافی با ساختمان‌هایی که در آن مستقر است، تهرینه می‌کند باید در ساختمان قبلی مستقر شود. به عبارت دیگر اگر نیاز بانک ملی باشد، در این ساختمان مستقر خواهد شد و به ادامه فعالیت خواهد پرداخت، در غیر این صورت باید اجازه خزانه‌داری برای فروش کسب شود. وی اضافه کرد: در این صورت هر کسی که در مزایده برنده شود، می‌تواند طبق مقررات پول ساختمان را به بانک ملی بدهد و حق انتخاب و بهره‌برداری را داشته باشد، لذا در درجه اول نیاز بانک ملی در اولویت قرار دارد که دیگر نیاز به فروش نیست و به عنوان دارایی مزاد شناخته نمی‌شود ولی اگر بانک ملی نتواند در آن ساختمان مستقر شود، ساختمان را با اجازه خزانه‌داری با اولویت دستگاه‌های ایرانی مستقر در لندن واگذار خواهد کرد. مدیرعامل بانک ملی با بیان اینکه دارایی‌ها در لندن مالکیتی نیست و زمین را نمی‌توان خریداری کرد، افزود: قراردادهای اجاری ۹۹ساله است که بر اساس آن حق انتخاب و بهره‌برداری به بانک داده شده است.

سرنوشت سه میلیون لیتر بنزین ماهانه

تابناک نوشت مشاهدات و بررسی‌ها از سرنوشت نامعلوم ماهانه سه میلیون لیتر بنزین سهمیه‌ای- که حق مردم و شهروندان است- حکایت دارد. بنا بر این گزارش مردم و شهروندان دارای سهمیه بنزین، همواره پس از سوخت‌گیری و پایان میزان بنزین سهمیه‌ای و نیز در نزدیکی به زمان پایان سهمیه بنزین، در کارت‌های سوخت‌شان، از نیم تا صفردهم لیتر بنزین سهمیه‌ای باقی می‌ماند، حال آنکه پس از آنکه سوخت‌گیری این افراد به پایان می‌رسد، این میزان بسیار اندک سوخت در زمان سوخت‌گیری بعدی یا شارژ سهمیه ماه بعد در کارت سوخت مردم موجود نیست. بنا بر این گزارش، هم‌اکنون و سوخت ۱۵ میلیون کارت سوخت و در نظر گرفتن این میزان کاسته شده - به طور متوسط ۰/۲ لیتر بنزین - حدود سه میلیون لیتر ماهانه که از جمع شدن اندک‌اندک سهمیه‌های مردم است باقی می‌ماند که تکلیف و سرنوشت آنها مشخص نیست.

کندم قیمت پنبه را دو برابر کرد

به دنبال آنکه در سال گذشته پنبه تولیدی کشاورزان روی دست‌شان ماند برای سال جدید زراعی پنبه‌کاران ترجیح دادند کندم بکارند. این اتفاق موجب دو برابر شدن قیمت این محصول در بازارهای داخلی شد به طوری که قیمت این محصول از هر کیلو ۶۰۰ تومان به بیش از ۱۲۰۰ تومان رسید. در واقع قیمت پنبه دو برابر شده است.

نشنگی معنوی

معاون اول دولت که بر برنامه معرفی چهار دستاورد تحقیقاتی در بخش کشاورزی صنعتی می‌کرد از این اقدام محققان به عنوان نشنگی معنوی یاد کرد و گفت: این اقدامات باید تلاوم داشته باشد و مردم ایران منتظرند با معرفی رقم پرمحصول برنج نیازی این کشور را به این محصول رقم بزینم. محمدرضا رحیمی با اعلام اینکه عملکرد در بخش شیلات راضی‌کننده نیست و بانک کشاورزی که هم‌سپرده‌های خود را در بخش‌های دیگری که سودآورتر است، استفاده می‌کند، باید با تقویت سازمان تعاون روستایی دست مفت‌خورها و دلالان از بازار کشاورزی کوتاه شود. محمدرضا رحیمی گفت: سازمان تعاون روستایی باید تقویت شود. این سازمان برنامه‌های بسیار مناسبی برای کوتاه کردن دست مفت‌خورها و دلالان از بازار کشاورزی دارد که با اجرای آن کشاورزان نفس راحتی خواهند داشت. به گفته رحیمی بانک‌ها باید در خدمت بخش کشاورزی باشند. در حال حاضر ارتباط کشاورزان با بانک کشاورزی قطع شده است و این بانک سپرده‌های خود را در بخش‌های دیگری که سودآورتر است، استفاده می‌کند.

ایران برای آذربایجان تهدید نیست

مدیرعامل بانک صادرات ایران با اشاره به سیاست ایران‌هراسی آمریکا در منطقه گفت: ایران تهدیدی برای سیستم مالی آذربایجان نیست، به گزارش فارس جهرمی در مصاحبه با پایگاه اینترنتی ترندنیوز تصریح کرد: برخلاف ادعای آمریکا ایران تعاملات تاریخی و فرهنگی و اقتصادی زیادی با کشورهای همسایه دارد. وی افزود: مردم ایران و آذربایجان از قدیم با هم ارتباط داشته‌اند، حتی ارتباط فامیلی و رفت و آمد خانوادگی دارند. جهرمی افزود نه همسایگان ایران برای ایران تهدید هستند، نه ایران برای همسایگانش تهدید به حساب می‌آید. معاون وزیر دارایی آمریکا اخیراً با انجام سفری به باکو تلاش کرده مقامات این کشور را برای متوقف کردن مبادلات مالی خود با ایران تحت فشار قرار دهد.